



28 آگست 2019

داکتر سید عبدالله کاظم

شرحی درباره پیشنهاد متارکه در جنگ سوم افغان انگلیس

(قسمت سوم)

دو فرمان شاه امان الله غازی :

طوریکه در مقاله قبلی به این سؤال که چرا شاه امان الله غازی با وجود مخالفت بعضی شخصیت های مؤثر پیشنهاد متارکه انگلیسها را فوراً قبول کرد، جنگ را متوقف ساخت و راه حل سیاسی را در پیش گرفت، جواب گفته شد و نیز از جمله مخالفان جدی متارکه از سردار عبدالقدوس خان صدراعظم، سپه سالار محمد نادرخان و از همه مهمتر جناب حضرت صاحب فضل محمد مجددی (شمس المشایخ) که روحانی مبارز، ضد انگلیس و شخصیت با نفوذ در بین قبایل بودند، نام برده شد. اکنون به نقل دو فرمان شاه امان الله غازی می پردازم که متن مکمل آنها را استاد عزیزالدین وکیلی فوفلزائی در کتاب "نگاهی به تاریخ استرداد استقلال" (چاپ کابل - ماه اسد 1368ش) درج کرده است و از ورای آن میتوان به جزئیات این موضوع مهم پی برد، زیرا موضوع قبول متارکه یکی از مهمترین اختلاف نظر شخصیت های فوق با شاه امان الله بود که در همان آغاز سلطنت مطرح گردید و حوادث بعدی بر آن بیشتر اثر افگند. (از آنجائیکه این کتاب وکیلی فوفلزائی کمتر در دسترس همگان قرار دارد، لذا برای سهولت کار محققان و علاقمندان تاریخ معاصر کشور متن مکمل هر دو فرمان را تقدیم میدارم)

فرمان اول عنوانی حضرت فضل محمد (شمس المشایخ) و سردار شاه محمود خان:

حضرت شمس المشایخ و سردار شاه محمود خان شب سه شنبه 26 جوزای 1298 شمسی (مطابق 16 جون 1919) عریضه از سمت جنوبی (محاذا پکتیا) نوشته و بکابل فرستادند. اعلیحضرت شاه امان الله غازی فرمان آتی را بتاريخ 324 رمضان 1337 هـ ق (3 سرطان 1298) از ارگ کابل عنوانی دو تن فوق الذکر ارسال داشت که یکی از طولانی ترین فرمانهای آن عصر محسوب میشود. استاد عزیزالدین و کیلی فوفلزائی خاطر نشان میدارد که اصل این سند را حضرت میا معصوم پسر نور المشایخ (پدر حضرت صبغت الله مجددی) که مزین به امضا و مهر شاه امان الله غازی بوده از نظر او گذشتانده و یک کاپی آنرا برایش داده است. (متن این فرمان از صفحه 78 تا 92 مأخذ فوق الذکر درج است)

ناگفته نماند که فضل غنی مجددی (نواسه حضرت محمد صادق مجددی - بعداً سفیر افغانستان برای سالهای متمادی در مصر) حینیکه کتاب خود را تحت عنوان "افغانستان در عهد اعلیحضرت امان الله خان - 1919 تا 1929) با استفاده از اسناد خانوادگی تألیف کرده، یک کاپی این فرمان را در جمله ضمایم (ضمیمه شماره 19) در اخیر کتاب علاوه نموده که طور معلوم در متن کتاب از محتوای آن استفاده نکرده است و آنهم شاید به دلیلی آنکه فرمان با شیوه خط شکست قدیمی نوشته شده که خواندن آن برای نسل جوان مشکل بوده است. همچنان قابل ذکر است که این فرمان از نظر مؤرخ شهیر

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی ښي پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په څیر و لولئ

میر غلام محمد غبار نیز نگذشته، زیرا موصوف در کتاب "افغانستان در مسیر تاریخ" به محتوای آن هیچ اشاره نکرده است.

در متن این فرمان قابل تذکر است که در فقرات پنجگانه که به نحوی ماهیت سؤال و جواب را دارند، شروع فقره به متن نامه ارسالی از طرف حضرت صاحب و شاه محمود خان ارتباط میگیرد (در متن ذیل برای تشخیص بهتر به حروف کوچکتر گنجانیده شده است) و اما متن بعد از ذکر "اطلاع حاصل شد..." جوابی را در بردارد که از زبان شاه ارقام یافته است. راجع به بررسی اصل موضوع فرمان در اخیر مقاله ابراز نظر کوتاه تقدیم میگردد.

آغاز متن فرمان:

«سیادت و نجابت بنیان شرافت لسان اخوی حضرت فضل محمد صاحب و عالیجاه عزت و عزیزی بنیان ارجمند شاه محمود خان را واضح خاطر باد!

عریضه مورخه لیل سه شنبه 18 شهر رمضان المبارک سنه 1337 قمری [مطابق 26 جوزای 1298 شمسی - کاظم] ارسالی شما بشرف ملاحظه حضور اعلیحضرت والا گزارش یافت. موازی پنج فقره بقرار شرح ذیل بحضور معروض داشته بودید، بدینموجب:

فقره اول - انشاءالله انتظامات سمت جنوبی ظاهراً به تمامی بندرات [محللات سوقیه] مایه امیدواری و کامیابی است، دشمن دین استطاعت پیش قدمی را ندارد، لکن تعطیل [توقف] محاربه مضرت [ضرر] کلی دارد. اول اینکه مصارف خوراکه مجاهدان و مال مواشی روز بروز قوه معنوی دولت را ضعیف میسازد و گرسنگی سبب تفرقه [جدائی و تشتت] میگردد و ثانیاً جوش و خروش ملتی [مردمی] می نشیند و دل سردی حاصل میشود و ثالثاً دشمن دین چون بمرور زمان تفرقه مجاهدین را بداند، به هیچ نوع سر اصلاح [صلح] نخواهد نهاد و بندارت را خالی یافته از هر طرف هجوم خواهد آورد، و در آن فرصت مدافعه آن محال مطلق [قطعاً ناممکن] است، زیرا که بعد از تفریق [پراکنده شدن] که نا امیدی مجاهدین داخلی و خارجه حاصل شود، باز جمعیت [جمع آوری] ملکی و نظامی غیر ممکن است.

اطلاع حاصل شد - سرکار والا با این فقره خوب دانسته و علم دارند و بهر طریق سعی می باشند که نفری مجاهدین از جوش و خروش نمانند، چنانچه نفری نظامی سمت مشرقی که شکست خورده و در کابل آمده بودند، همه شان بحضور والا خواسته شده آنچه لازمه قهر و عتاب بود، بالای شان کرده شد؛ همه سرها برهنه کرده شکایت خودها را از بیخیری منصبداران خودها کرده شرح و عفو تقصیر خودها را در قرآن شریف نوشته و مهر کرده عهد و پیمان کرده و عذر خواهی زیاد کردند که مایان واپس بخدمت سمت مشرقی مقرر میشویم و الا بخانه و جای خودها رفته نمیتوانیم و نزد عیال خودها خجالت می کشیم. بنابر عذرخواهی والاحاح شان سررشته شان کرده شد. الیوم بسررشته درست روانه سمت مشرقی شدند و برای پادشاه صاحب [مقصد یکی از سادات آنجا است] و غیره مشایخ فرامین علیحده تحریر شد که همه نفری خود را [مقصد از قوای قومی است] حد بحد تقسیم کرده و آماده باشند، هر وقت که حکم شد از هر طرف حمله کنند، نظامی [مقصد از قوای دولتی است] هم میرسد.

خیال و فکر اعلیحضرت والا به شما معلوم شده خواهد بود که تا جان در تن و رمق در بدن داشته باشیم از خیر و شرف دولت و ملت افغانستان نخواهم گذشت. شما خاطر خود را جمع دارید که صلح بی شرف [بدون رعایت شرف] افغانستان را انشاءالله تعالی به هیچ صورت قبول نخواهم کرد. اگرچه گفتگو و مکالمه را سررشته نموده ایم و مظنه حاصل میشود هرگاه صلح بشرف [برطبق

د پانیو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په څیر و لولئ

شرف] افغانستان را قبول کردند و مراد و مدعایی که داشته و داریم، حاصل شد و اگر اندک از شرایط ما را قبول نکردند، از سر و جان خود گذشته خود را انشاءالله تعالی زبان زد خلق نخواهم ساخت، به هر صورت در کارروائی ها [تدابیر و اقدامات] بمعاونت الهی کوشش داشته و داریم تا اراده باری تعالی به چه طریق رفته باشد.

فقرة دوم - معروض داشته بودید که صورت اصلاح [صلح] اگر بنوعی که شرف دولت و ملت را زیان نداشته باشد و استقلال دولت را خلل نرساند، به سبب بعضی مصالح بهتر [است] و اگر بقسم مغلوبیت و بی عزتی چنانچه از خط انگریز معلوم میشود منعقد از آن صلاحیت [با انعقاد آن نوع صلح]، مرگ تمامی اهالی افغانستان بمراتب بهتر است. سمت مشرقی اگر قوت مدافعه قدری بهم برساند و مهاجمه و پیش قدمی اصلاً نکند، سمت جنوبی به مدافعه و مهاجمه و پیش قدمی آزاد است و بقدر وسع و طاقت حملات دشمن را تحمل خواهد کرد مداخله در مملکت دشمن نمیتواند[؟؟]، و لا محاله انگریز را به صلح مجبور خواهد کرد. در سمت جنوبی الحمدلله تعالی الی حال حالتی که باعث ناامیدی باشد واقع نیست اگر طرف مشرقی بلکل برباد نباشد، صلح مغلوبی [صلح بر بنیاد مغلوبیت] بربادی دولت است.

دانسته شدم درباب مشرقی واضح برای شما در فقرة اول مرقوم گردیده که همه شکست خورده و جلال آباد و جباخانه و خزانه را لاکلام از بی غیرتی منصبداران و افسران نظامی خراب کرده برباد دادند چنانچه همه متفرق شدند با وجود آن بزحمات بسیار مردم جلال آباد را که تاراج و برباد شده و آواره گردیده بودند، جمع آوری فرموده بنای مکالمه و مکاتبه شد با وجود آن شرایطی که ما خواهش داریم انشاءالله شرف و عزت دولت افغانستان مد نظر است چنانچه نقل شرایط و قرار و خواهش کامل برای عالیجاه اخوی سردار محمد نادر خان سپه سالار فرستاده شده اگر خیال شما بوده باشد طلب نمائید. چه نقصان پیش شده که به خواهش آنها صلح کنیم اگر یک تکه جزوی از دکه را به سمت مشرقی گرفته، صدها موافق [معادل] آنرا از سمت جنوبی داده است. لله الحمد مسلمان میباشیم و به هیچ طریق از خیر دولت و ملت افغانستان نخواهیم گذشت.

فقرة سوم - مردم خارجه از مسعود و وزیر و داور وطنی که در این مدت یک ماه به تحریک دولت علیه [مقصد دولت افغانستان است] کمر جهاد را محکم بسته تهاهه انگریزان را خراب و تاراج کردند و بصد ها نفوس شان به شهادت رسید، در مصالحه اگر دفع مضرت کفار از آنها نشود [از ایشان حمایت صورت نگیرد]، یک عالم نفوس را به هلاکت رسانیدن است و آینده در وقت ضرورت هیچ احدی اعتماد بدولت نخواهد کرد و آینده قوه حرکت برای اقوام مذکوره نخواهد ماند.

اطلاع حاصل شد - هرگاه نقل مراسله والا را که در باب شرایط صلح ارقام و ارسال گردیده ملاحظه کنید، دانسته شما میشود که گفتگوی و خیال و فکر والا یک فقرة درباب آزادی قوم وزیرستان است هیچ طریق صلح بی شرف [مغایر شرف] را قبول نمی کنم باقی تفویض همه امورات بخداوند است.

فقرة چهارم - قرار تجربه اکثر کار محاربه بذریعه توپ میشود که دو ضرب توپ "اوت زر" [توپ های ساخت جرمنی با قدرت انداخت فاصله دور] که مفرزه سمت جنوبی همراه دارند هر دو توپ یک جراثقال [جراثقال] دارد که یک ضرب توپ محسوب میشود و برای هر دو توپ پنجاه دانه کارتوس جباخانه داده شده که تماماً در تل بمصرف رسیده و الا هر دو توپ بیکار صرف گفته میشود. جباخانه توپ مذکور و چند ضرب توپ (9) پن معه جباخانه ضرورت دارد که بزودی در میدان جنگ برسد و جراثقال هم فرستاده شود.

اطلاع دست داد - درباب توپ اوت رز و جباخانه آن بتاریخ 5 ماه رمضان المبارک فی توپ یکصد فیر که جمله دوصد کارتوس شود، فرستاده شد که حالا در خوست رسیده و یک عدد جراثقال آن فرستاده شد بزودی میرسد، لکن خواستن جباخانه و توپ نظامی به اصول درست نیست ازطرف

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په ځیر و لولئ

عالیجاه عزیزی بنیان اخوی سردار محمدنادرخان که برای هر حدود اسباب و جباخانه خواسته شود و برای هرکدام شما فرستاده شود، درست میشود. مثلاً ارجمند شاه محمود خان هم بحضور والا معروض داشته نفری [عسکر] میخواید و هم برای سردار سپه سالار از عریضه آنها واقف نشده و علیحده از حضور نفری مطالبه میدارد، بحضور معلوم نمی شود که برای ارجمند شاه محمود خان خواسته و یا برای دیگر جای. باید از برای یک جا، دو دفعه نفری و جباخانه فرستاده شود. انشاءالله تعالی - تلیفون هم بزودی میرسد و سررشته خط رسانی هم بدرستی شده و بعد ازین سررشته چنین کرده شود که بهر جای نفری با جباخانه بکار باشد بحضور عالیجاه اخوی سردار محمدنادرخان خبر داده شود. اگر از اسباب خواستگی نزد خود او بود، روانه میدارد و الا بحضور عرض کرده طلب میدارد و کار یک دسته میشود و بسررشته آن سرکار والا دانسته میشود مثلاً:

توپ اوت زر از طرف سپه سالار هم خواسته شده بود و حال شما هم عرض کرده اید، معلوم نشد که توپ های اوت زر نزد شما می باشد یا نزد سپه سالار. کار که از یک طرف و یکدست باشد انشاءالله معطلی نمی شود و خود سپه سالار عرض [درخواست] میکند و برای هرکدام روانه میدارد. رپوت خیریت و اطلاع دهی خود را بحضور معروض میدارید تا از کارروایی های شما دانستگی حاصل گردد.

فقرة پنجم - معروض داشته اید که اگر صلاحیت [صلح] بزودی امکان نداشته باشد و موعد معاش از سه ماه و تا چهار ماه زیادتر یا کمتر مقرر شود که تا موعد مقرر [تا رسیدن وقت تادیه معاش] هر یک هرکس پی کار خود شود و بموعد [تادیه معاش] همه شان بالای بندرات [در محل تجمع قطعات] جمع گردند. دراین صورت دولت از مخارج یومیة مجاهدین فارغ شده و به تهیه امور ضروریة خود مشغول میشود و مجاهدین نیز نا امید مطلق نشده حالاً بمراکز [به محلات اصلی] خود عود نموده [برگشته] و بوقت مقرر بذوق حاضر معرکه جهاد میشوند و اگر چنین نشود در ایام متارکه از مصارف بی اندازه، خزانه تهی و گدامها خالی و مجاهدین متفرق و نظامی بد دل و دشمن قوی دست و کامیاب میگردد و هرچه بخواهد میتواند.

اطلاع حاصل شد - سرکار والا هم کوشش دارد بهر صورت یک موعد گذاشته خواهد شد. یقین سرکار والا حاصل است که [اگر] از هیچ طریق صورت و صلاحیت [صلح و مصالحه] سرنخواهد گرفت [نگیرد]، جنگ جاری میشود. چرا که شرایط صلح را بسیار بلند انشاءالله تعالی ما خواهش داریم ممکن ندارد که همه را قبول کنند تا دیده شود که از پرده غیب چه بظهور خواهد آمد، ازین طرف خاطر خودها را جمع دارید که فضل خداوند شامل حال است. « (پایان فرمان)

امضا: امیر امان الله

(ثبت شد داخل کتاب فرامین حضور والا - دستخط عبدالرشید)

(ادامه دارد)